



«ایران» در گفت‌وگو با دو چهره اصولگرا و اصلاح طلب یک مسأله مشترک را به بحث گذاشت

راه‌های بهبود رابطه دولت و ملت

گروه سیاسی - الهام یوسفی / امروز تقریباً همه طرف‌ها در کشور از ضرورت تغییر حرف می‌زنند. البته اقلیت محدودی را باید از این تغییرخواهان مجزا کرد، اقلیتی که حتی در دوران جنگ و پس از جنگ هم، حمله به رقیب و تکرار و بازتولید دوقطبی‌های قبلی تنها کنش سیاسی و اجتماعی آنان است. گویی هیچ توجهی به الزامات شرایط پیچیده داخلی و خارجی ایران ندارند، یا اگر این پیچیدگی‌ها را درمی‌یابند، توان تغییر بازی سیاسی را ندارند.

اگر این دسته را کنار بگذاریم، اصلاح‌طلب و اصولگرایی را نمی‌توان سراغ گرفت که تغییر در رویکردها را ضروری ندانند. از محمدرضا باهنر دبیرکل انجمن اسلامی مهندسین تا عزت‌الله ضرغامی وزیر میراث فرهنگی و گردشگری دولت سیزدهم؛ از حسن روحانی رئیس‌جمهوری دولت‌های یازدهم و دوازدهم تا علی لاریجانی مشاور رهبر انقلاب و محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی، اساساً پریسامدترین نجوا برای تغییر در ایران، نه از آن اصلاح‌طلبان، بلکه از آن اصولگرایان است.

این محمدباقر قالیباف بود که از یک «هسته ۹۰ میلیونی جمهوری اسلامی» گفت و اگر کس دیگری در جایگاه دیگری بود، این تقسیم بندی چنین بسامد پرتکرار و پردوامی پیدا نمی‌کرد. بنابراین، با اینکه تغییر امروز به یک کلیدواژه مشترک میان همه بازیگران اصلی سیاسی، حکمرانی، اجتماعی، مدنی و دانشگاهی تبدیل شده است، در مسأله چپستی این تغییر یا مهم‌ترین تغییر ضروری و دارای اولویت هم می‌توان یک اشتراک نظر پررنگ پیدا کرد. اساساً تعبیر قالیباف درباره هسته جمهوری اسلامی، چیزی جز این نبود؛ اینکه خواسته‌ها و رویکردهای اکثریت قاطع ملت ایران باید در نظام حکمرانی انعکاس داشته باشد.

جامعه‌شناسان و نظریه پردازان علوم سیاسی از این انعکاس با عنوان «رابطه دولت و ملت» یاد می‌کنند. رابطه دولت و ملت، مسأله‌ای پیچیده، حل نشده و غامض باقی مانده در سراسر دوره مدرن ایران است. یعنی از همان اولین طلیعه‌های درخواست «عدالتخانه» در اوایل مشروطه تا امروز که نهاد دولت در ایران، قدرتی بی سابقه و جایگاهی بدیع یافته است، اینکه نسبت و رابطه دولت و

ملت در ایران چگونه باید باشد، محل بحث، گمانه زنی، نظریه پردازی و گفت‌وگو بوده است. این گفت‌وگوها ناشی از این بود که به رغم مطرح بودن این مسأله در سراسر تاریخ مدرن ایران، پاسخ لازم و مکفی به این مسأله داده نشده بود. به این معنی که مسأله وجود داشت، اما پاسخ، یا نبود، یا دقیق نبود، یا کارآمد نبود. فقدان چنین پاسخی بود که درنهایت به آن چیزی تبدیل شد که نظریه پردازان ایرانی از آن به عنوان «شکاف دولت و ملت» یاد کردند. در دوره اخیر، یعنی در زمان معاصر ما، دست کم دو جنگ تحمیلی، یعنی جنگی که رژیم بعث صدام به ما تحمیل کرد و جنگی که رژیم اسرائیل تحمیل کرد، خواسته یا ناخواسته، تاحد زیادی این شکاف را پر کرد. این پرسدن در شرایطی اتفاق افتاد که اساساً خواست دشمن بیشترکردن این شکاف بود، اما ملت و دولت در ایران، به رغم مشکلات موجود میان خود، با دشمن خارجی تمایزی روشن گذاشتند و هنگام مواجه شدن با دژخیم بیرونی، درون خویش را ترمیم کردند. به رغم این دستاورد بزرگ جنگ تحمیلی، که حتی رسانه‌های دشمن، یعنی اسرائیل و آمریکا نیز به آن



رابطه دولت و ملت، مسأله‌ای پیچیده، حل نشده و غامض باقی مانده در سراسر دوره مدرن ایران است



بهبود رابطه دولت و ملت کار دیگری نباید کرد. بنابراین مسأله این نیست که آیا کار دیگری می‌توان کرد؟ بلکه مسأله این است که جز این اصلاح و ترمیم و بهبود کار دیگری نباید کرد و روشن است که هرکس در مسیری غیر از بهبود رابطه دولت و ملت گام بردارد، یا سخنی بر زبان بیاورد که به این ترمیم و اصلاح کمک نکند، از فهم منطق موقعیت امروز ایران ناتوان است.

پرداخته‌اند، باز هم به نظر می‌رسد بهبود ارتباط دولت و ملت و نزدیکی هرچه بیشتر این دو، تا جایی که هر یک به مثابه دیگری تلقی شود، اصلی‌ترین و مهم‌ترین پاسخ برای این سؤال است که «در وضعیت جنگی فعلی چه باید کرد؟» در شرایط «نه جنگ و نه صلح» امروز که تنهایی استراتژیک و ژئوپلیتیک ایران، به یک تنهایی وجودی و هستی‌شناسانه تبدیل شده است، جز اصلاح، ترمیم و

کلید احیای رابطه دولت و ملت، کارآمدی است



امیررضا واعظ آشتیانی
عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی

می‌شود، دولت باید با اصلاح سیاست‌ها و استفاده بهینه از منابع انسانی و طبیعی، فضای اقتصادی را به نفع مردم تغییر دهد. شفافیت در گفتار و رفتار نیز عاملی مهم در افزایش اعتماد عمومی است. مردم باید احساس کنند مسئولان با آنان صادق‌اند، نه اینکه مشکلات اقتصادی را انکار یا کوچک‌نمایی کنند. افزایش قیمت‌ها، کاهش قدرت خرید و تنگی معیشت باید دیده شود، نه پنهان.

از سوی دیگر، پرهیز از درگیری‌های سیاسی و حاشیه‌سازی‌های بی‌ثمر، مطالبه روشن جامعه است. مردم از دعوای جناحی خسته‌اند، اما به «نقد» معتقدند. دولتی موفق است که انتقاد را بشنود، بپذیرد و اصلاح کند. حتی ممکن است روزنامه‌نگار، استاد دانشگاه یا شهروند عادی نکته‌ای گره‌گشا مطرح کند که باید با روی خوش شنیده شود. مردم با مشارکت در انتخابات نشان داده‌اند که خواهان تغییر و پیشرفت‌اند؛ اکنون نوبت مسئولان است که پاسخ ملی و بین‌المللی است.

حاکمیت، برآمده از مردم است. اگر مردم احساس کنند مسئولان صدایشان را می‌شنوند، صادقانه عمل می‌کنند و شایسته‌ترین‌ها را انتخاب می‌کنند، بی‌تردید همراهی خواهند کرد. این رمز موفقیت یک دولت-ملت مقتدر در سطح ملی و بین‌المللی است. بنابراین به باور من برای داشتن دولتی موفق، کشوری پیشرو و نظامی سرفراز، راهی جز ارتقای کارآمدی، انتخاب اصلح، شفافیت، دوری از حاشیه‌سازی و هم‌افزایی قوا وجود ندارد.

اعتماد عمومی سرمایه‌ای است که اگر تقویت شود، موتور توسعه کشور با قدرت بیشتری به حرکت درمی‌آید.

زمانی رابطه دولت و ملت محکم و مؤثر خواهد بود که نظام حکمرانی بر پایه کارآمدی استوار شود. مردم ایران در بزنگاه‌های تاریخی از جمله دوران دفاع مقدس و بحران‌های اقتصادی و اجتماعی، نشان داده‌اند که همواره چند گام از مسئولان جلوتر هستند. امروز، آنان خواهان دولتی هستند که بتواند پاسخگوی نیازها و مطالبات آنان باشد؛ دولتی صادق، شفاف، دلسوز و متعهد. برای تحقق این هدف، تعامل و هم‌افزایی سه قوه حیاتی است. قوه

مجریه، مقننه و قضائیه نباید در تقابل، بلکه باید در تکمیل یکدیگر عمل کنند. قانون اساسی نیز این تقسیم کار را به‌درستی تعیین کرده است.

مجلس باید با رأی به وزاری شایسته، به دولت کمک کند و در عین حال، دولت نیز باید از نظرات و انتقادات کارشناسی مجلس بهره ببرد. مردم امروز بیش از هر چیز، شایسته‌سالاری می‌خواهند. از رئیس‌جمهوری تا مدیران میانی، باید افرادی عهده دار مسئولیت‌ها باشند که متخصص، متعهد، مردمی و دلسوز باشند؛ نه وابسته به باند، گروه یا قبیله.

کنار گذاشتن روابط رانتی و گزینش‌های سیاسی، گام اول در بازسازی اعتماد عمومی است. یکی دیگر از وظایف جدی دولت، امیدآفرینی و اجتناب از یأس‌پراکنی است. در شرایطی که بهره‌وری اقتصادی پایین است و سرمایه به جای تولید به سوداگری کشیده

کارشناسی درباره معضلات جامعه که مردم را رنج می‌دهد. به طور کلی، تأکید بر اینکه هسته اصلی قدرت ۹۰ میلیون نفر هستند نه طرفداران محدود یک جریان سیاسی یکی از راه‌های مهم در این باره است.

حل مسائل باقی مانده یا تلاش برای فراهم کردن زمینه بازگشت ایرانیان خارج از کشور و اینکه ایرانیان خارج از کشور راحت بتوانند به ایران سفر کنند. همچنین دعوت از چهره‌های نمادینی که در خارج از کشور در جریان جنگ فعال بودند از دیگر ابزارهای مؤثر است.

شخصیت‌هایی که در جریان جنگ ۱۲ روزه ماشین جنگ تبلیغاتی دشمن را از کار انداختند، مانند دکتر عبدالکریم سروش و دکتر علیرضا رجایی و دیگران؛ تسهیل مجوز احزاب و تشکلات سیاسی و مدنی؛ اصلاح قانون انتخابات با هدف مشارکت و رقابت بیشتر شهروندان؛ رفع فیلترینگ از اینستاگرام، تلگرام و توئیتر؛ اعلام جواز صدور گواهینامه موتورسواری به زنان؛ تداوم امکان برگزاری اجرای موسیقی زنده در فضاهای عمومی؛ فعال کردن مجدد کارگاه‌های تولیدی کوچک؛ تسریع کار خسارت‌دیدگان از جنگ اخیر

و اعطای وام به اقتصاد دانش پایه و امور دیگر، از جمله راه‌ها و اقداماتی است که اکنون می‌تواند صورت بگیرد.

قدم بردارد. به بیان دیگر، در جنگ ۱۲ روزه ۲ عامل باعث شد دشمن متجاوز ناکام شود؛ یکی پاسخ بجا و قاطع موشکی نظامیان کشور به دشمن اسرائیلی و دوم همین رفتار جمعی و ملی مردم ایران علیه دشمن متجاوز.

واقعاً همه بخش‌های نظام حکمرانی وظیفه دارند به این جامعه پاسخ مثبت دهند. اما چگونه می‌توان به بهبود رابطه دولت و ملت کمک کرد؟ دولت موظف است در تعامل با ارکان نظام در امور زیر گام بردارد و نگذارد دوباره مردم مأیوس بشوند. اول اینکه شایسته است دولت و جامعه مدنی تلاش کنند دو قطبی شدن جامعه بار دیگر احیا یا تقویت نشود. چرا که ما ممکن است بار دیگر هم روزهای سختی در پیش داشته باشیم، زیرا ناترازی‌ها وجود دارند و احتمال توطئه و تجاوز مجدد اسرائیل هم هست.

اما چگونه تقارها کاهش پیدا کند و جامعه دوقطبی نشود؟ پیشنهادهای زیادی هست همچون تضعیف نکردن فرماندهی کل قوا، دولت و دستگاه دیپلماسی. اما در عین حال باید صداوسیما نیز به رسانه فراگیری تبدیل شود.

بدون اصلاح در سیاست‌های صداوسیما در صحبت با مردم نمی‌توان موفق بود یا شاهد بهبود رابطه دولت ملت باشیم. فراگیرتر شدن شبکه‌های خانگی و نیز حمایت از گفت‌وگوهای

پیشنادهایی برای بهبود رابطه دولت و ملت



حمیدرضا جلالی‌پور
استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

برای بهبود روابط میان دولت و ملت، اول باید به دو نکته درباره اهمیت این مسأله اشاره کرد.

بهبود این رابطه وظیفه حکمرانی و نیروهای جامعه مدنی بویژه در این شرایط جنگی است.

نکته دوم اینکه وقتی در ۲۳ خرداد اسرائیل تجاوزکار به ایران حمله کرد، حتی مردم ناراضی ایران، این

تجاوز را محکوم کردند و یک جنبش خودجوش در دفاع از ایران به راه انداختند.

امروز همه می‌دانند که این رفتار جامعه ایران خیلی مهم بود. زیرا برخی رویکردهای افراطی دو دهه هست که ادعا می‌کنند اگر ما نباشیم نظم اجتماعی فرو می‌ریزد یا کسی نیست از کشور دفاع کند. اما در این ۱۲ روز که جنگ شد و آسمان ایران ناامن شد و جان مدیران کشور در معرض ترور قرار گرفت، جامعه در مجموع از حکومت در این جنگ دفاع کرد.

به نظر می‌رسد همین پدیده، نظام حکمرانی دولت همه‌تاش‌ها و تدابیر خود را برای مدیریت کشور در شرایط جنگ تحمیلی و رفع و تأمین نیازهای مردم در حوزه‌های مختلف معطوف کردند. مجموعه اقدامات، تدابیر و برنامه‌های دولت را باید همچون

#دولت کنار مردم

زنجیره‌ای به هم پیوسته در نظر گرفت. زنجیره‌ای که یک سر آن به مرزها و گمرکات کشور برای تأمین و ورود کالاهای اساسی می‌رسد، یا یک سر آن به مزارع گندم و چای می‌رسد و سر دیگر آن به نام کالاهای اساسی و دارویی که مردم در شهرها و خیابان‌های خود دریافت می‌کنند. خدمت

همراه با ایستادگی ملت ایران، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف دولت همه‌تاش‌ها و تدابیر خود را برای مدیریت کشور در شرایط جنگ تحمیلی و رفع و تأمین نیازهای مردم در حوزه‌های مختلف معطوف کردند. مجموعه اقدامات، تدابیر و برنامه‌های دولت را باید همچون

همراه با ایستادگی ملت ایران، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف دولت همه‌تاش‌ها و تدابیر خود را برای مدیریت کشور در شرایط جنگ تحمیلی و رفع و تأمین نیازهای مردم در حوزه‌های مختلف معطوف کردند. مجموعه اقدامات، تدابیر و برنامه‌های دولت را باید همچون

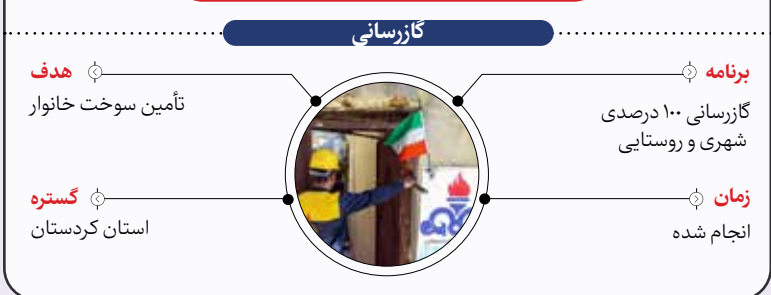
معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم



وزارت امور اقتصادی و دارایی



وزارت نفت



وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی



تأمین اجتماعی



سازمان اداری و استخدامی



وزارت صنعت، معدن و تجارت



اشتغال



وزارت نیرو

